

ترجمه گفت‌وگوهای طنز در فیلم

سعید عامری^۱

مبانی نظری ترجمه طنز

یکی از چالش‌های بزرگ ترجمه فیلم، ترجمه موارد طنز است، چون بسیاری از موارد طنز اساساً ترجمه‌ناپذیرند. در این مقاله طنز را در معنی وسیع آن معادل با «شوخی» در نظر می‌گیریم. در فیلم، طنز ممکن است به صورت غیر کلامی یعنی تصویری یا صوتی بیان شود؛ مثل شکلک درآوردن یا ایجاد صدای ناهنجار. همچنین طنز ممکن است به شکل کلامی بیان شود. تشخیص طنز کلامی خود چالش دیگری برای مترجم است چون مترجم ممکن است آنقدر با فرهنگ مبدأ آشنایی نداشته باشد در نتیجه نتواند عنصر طنز را در فیلم تشخیص دهد. البته بسیاری از طنزها هم ماهیت چندپهلوی دارند و ممکن است فقط برخی از خوانندگان یا بینندگان متوجه طنز بشوند. مترجمانی که حس شوخ طبعی بالایی ندارند ممکن است علیرغم آشنایی با زبان و فرهنگ مبدأ نتوانند متوجه طنز یا ظرافت کلامی و شوخ طبعانه گوینده بشوند و یا ممکن است متوجه طنز بشوند اما طنز به نظرشان بی مزه بیاید. این نکته ممکن است بر ترجمه طنز تأثیر منفی بگذارد (کیارو، ۲۰۰۵).

پژوهشگران بسیاری در حوزه ترجمه دیداری شنیداری درباره ترجمه طنز سخن گفته‌اند ولی از نظر چاومه (۲۰۱۲) اتفاق نظری میان پژوهشگران یا مترجمان وجود ندارد. وی بر این باور است که گروهی به ترجمه‌ناپذیری طنز معتقد هستند ولی گروه دیگر طنز را عنصری چالش برانگیز اما ترجمه‌پذیر می‌دانند. اگر فرض دوم را بپذیریم که طنز، قابل ترجمه است با مشکلی دیگر مواجه می‌شویم و آن این که طنز را چگونه باید ترجمه کرد. این پژوهشگر و مترجم اسپانیایی بر این باور است که در دوبله ژانر کمدی اولویت ترجمه خنداندن مخاطب است و مترجم می‌تواند متن مبدأ را جرح و تعدیل کند چون انتقال عین شوخی متن اصلی ممکن است در متن مقصد بی معنا جلوه کند. کیارو (۲۰۱۰) چهار رویکرد غالب برای

^۱ دانشجوی دکتری مطالعات ترجمه، دانشگاه فردوسی مشهد

ترجمه طنز کلامی معرفی می کند:

- ۱- طنز کلامی بدون تغییر به ترجمه منتقل می شود (ممکن است بخشی از طنز مثل بازی با کلمه از بین برود).
- ۲- طنز متفاوتی جایگزین طنز مبدأ می شود.
- ۳- اصطلاحی جایگزین طنز مبدأ می شود.
- ۴- طنز حذف می شود.

البته حذف طنز همیشه ممکن نیست. سریال هایی از قبیل *How I Met Your Mother* یا *The Big Bang Theory* طوری ساخته شده اند که در موارد طنز و شوخی خنده حضار هم در برنامه شنیده می شود. بنابراین در این گونه موارد شوخی باید منتقل گردد و گرنه بیننده ناکام می ماند. به نظر زابالیسکو (۱۹۹۶) اگر شوخی به هردلیلی تن به ترجمه نمی دهد خنده حضار را می توان در دوبله حذف کرد.

پژوهشگران دیگری همچون چاومه (۲۰۱۲)، معتقدند برای روش های ترجمه طنز نباید اولویت تعیین کرد چرا که مترجم در وهله اول باید به کارکرد متن مقصد نگاه کند و سپس تصمیم بگیرد متن را به چه روش ترجمه کند. زابالیسکو (۱۹۹۴) نیز معتقد است که اولویت مترجم باید ایجاد تعادل باشد، یعنی شوخی در برابر شوخی، و عین واژگان نویسنده یا گوینده اهمیت چندانی ندارد. وی همچنین از تکنیک جبران به عنوان شیوه مناسبی برای ترجمه طنز کلامی یاد می کند. به نظر وی اگر طنز کلامی تن به ترجمه ندهد این تعادل را می توان با صدا و لحن صحبت گویندگان در دوبله جبران کرد؛ یا اینکه اگر عنصر طنز جوک بود می توان با یک جوک دیگر آن را جایگزین کرد. البته به هنگام ترجمه طنز نباید محدودیت های دوبله و ترجمه را نیز فراموش کرد؛ محدودیت هایی از قبیل همگام سازی یا سینک، تفاوت در دانش پس زمینه مخاطبین مبدأ و مقصد، تفاوت در ارزش های اخلاقی و فرهنگی و رسوم دو زبان، تفاوت در موضوعات طنز دو زبان و محدودیت هایی که تصاویر ایجاد می کنند (زابالیسکو، ۱۹۹۴).

برای درک بهتر مبانی نظری که تاکنون بیان گردید، نمونه هایی از ترجمه طنز در دوبله های حرفه ای فارسی را بررسی خواهیم کرد.

نمونه اول: طنز تصویری

در نمونه زیر که از فیلم *جانی انگلیش* (۲۰۰۳) (مستر بین) گرفته شده است، رئیس جانی انگلیش از وی سوال می کند آیا مراسم عزاداری امن است. جانی انگلیش اطمینان خاطر

می‌دهد که امنیت کامل تأمین شده است. به محض اینکه کلام جانی انگلیش تمام می‌شود در پشت سر وی انفجار بزرگی رخ می‌دهد، یعنی جانی انگلیش نتوانسته است امنیت کامل مراسم را حفظ کند:

Boss: Everything in order, English?

Johnny English: I think you'll find it's rather more than just in order, sir.
You're now entering the most secure location in the whole of England.

رئیس: همه چی مرتبه انگلیش؟
جانی انگلیش: مرتب که چه عرض کنم قربان، مرتب‌تره. الان شما وارد امن‌ترین مکان در کل انگلستان شدید.

نمونه دوم: لطیفه

لطیفه‌ها نیز برای خود دسته‌بندی مشخصی دارند که از حوصله این مقاله خارج است و خوانندگان می‌توانند به مقاله زابالیسکو (۱۹۹۶) مراجعه کنند. نمونه زیر از فیلم پالپ فیکشن (۱۹۹۴) گرفته شده است. در اینجا میا قصد دارد برای وینست جوک معروف خودش را تعریف کند. به نظر می‌رسد که جوک عناصر فرهنگی خاصی ندارد ولی در این جوک با کلمه ketchup بازی شده است که هم به معنی سس گوجه‌فرنگی است و هم به معنی «رسیدن» یا catch up. در ترجمه این لطیفه، مترجم سعی کرده با بازی با کلمه «رب» و «ربع» شوخی را به بیننده ایرانی منتقل کند:

Mia: ... Three tomatoes are walkin' down the street. Papa Tomato, Mama Tomato and Baby Tomato. Baby Tomato starts lagging behind, and Papa Tomato gets really angry. Goes back and squishes him and says, "Ketchup."

میا: بچه گوجه‌فرنگی خسته از باباش می‌پرسه پس چرا نمی‌رسیم خونه. بابا می‌گه یه ربع دیگه، یه ربع دیگه. بچه که صدمبار این جواب رو شنیده بود میگه این ربع آخه چیه؟ بابا عصبانی می‌شه و بچه گوجه‌فرنگی را له می‌کنه و می‌گه این شد یه رب (ربع).

نمونه سوم: بازی با کلمات

در این نمونه که از فیلم ترمینال (۲۰۰۴) گرفته شده است آقای ویکتور ناورسکی به دلیل اینکه به زبان انگلیسی تسلط کافی ندارد در هنگام صحبت خطاهای زبانی بسیاری مرتکب

می‌شود، از جمله در دیالوگ زیر. در این دیالوگ ویکتور نمی‌تواند واژه cheat (خیانت کردن) را درست تلفظ کند و می‌گوید chit و این امر باعث ایجاد خنده می‌شود:

Enrique: So She had a boyfriend? For how long? Two years? What happened?

Victor: He chit.

Enrique: What?

Victor: He chit.

Enrique: Eat shit?

Victor: He chit. He chit. He chit.

Enrique: Repeat exactly what she said.

Victor: He chit. She catch him...

Enrique: He cheats.

Victor: Yes, yes. What we call krushkach. We say krushkach. One man, two womans. Crowded, you know.

Enrique: OK. He cheats. You say "cheats".

Victor: He chit.

Enrique: No, "cheat".

Victor: Enrique, you, no chit.

Enrique: No cheat.

Victor: No chit.

Enrique: No. I won't cheat.

Victor: She's a nice girl. She won't take your chitting.

انریکه: پس یه نامزد داشته؟ برای چه مدت؟ دو سال؟ چی شد؟

ویکتور: کک خورد.

انریکه: چی؟

ویکتور: کک خورد.

انریکه: کک خورد؟

ویکتور: کک خورد. کک کک خورد.

انریکه: چی؟ لطفاً تمام حرفاش رو دقیقاً تکرار کن.

ویکتور: کک خورد. دونورس میچش گرفت...

انریکه: کلک خورد.

ترجمه گفت‌وگوهای طنز در فیلم ۱۴۵/۱۱۱۱

ویکتور: آره. آره. ما می‌گیم کرسکاچ، می‌گیم کرسکاچ. یک مرد دو تا زن خوب نه. سه تا شد شلوغ.

انریکه: خب پس کلک خورده. ما می‌گیم کلک نه کک.

ویکتور: انریکه تو کک نخور.

انریکه: کلک.

ویکتور: کک نخور.

انریکه: خیلی خب. من نه کلک می‌خورم و نه کلک می‌زنم.

ویکتور: اون خیلی دختر خوییه نباید بهش کک بخوری.

نمونه‌های چهارم، پنجم، ششم و هفتم: طنزهای کلامی

نمونه‌های زیر از فیلم کمدی نگهبان باغ وحش (۲۰۱۱) انتخاب شده است. دیالوگ‌ها مربوط به قسمتی است که حیوانات دارند به یک جلسه اضطراری می‌روند:

Wolf: What, oh, nothing. I certainly wasn't cleaning my basement.

گرگ: کی بود؟ چیزه؟ می‌گم چرا یکهو چراغا رو روشن می‌کنید؟

در این قسمت گرگ دارد خودش را تمیز می‌کند و به محض اینکه چراغ‌ها روشن می‌شود گمان می‌کند که کسی مچش را هنگام تمیز کردن خودش گرفته است و برای همین کتمان می‌کند که مشغول تمیز کردن بوده است. این طنز کلامی در دوبله به چیز دیگری تغییر پیدا کرده است ولی اثر طنز به نظر می‌رسد که منتقل شده است.

Elephant: Ok, here we go. If this is another eating intervention, I'm not hearing it. This is my ideal weight. Ask the vet.

فیل: بریم بچه‌ها، اگر بخوان دوباره راجع به وزنم نظر بدن، برمی‌گردم سرجام. وزنم خیلی هم مناسبه. اگر باورتون نمی‌شه می‌تونید از کیت بپرسید.

در این دیالوگ، فیل گمان می‌کند که جلسه احتمالاً به خاطر وزن بالای وی است و تأکید می‌کند که اضافه‌وزن ندارد. تغییر چندانی در ترجمه طنز دیده نمی‌شود.

Lion: All right. I got a very busy schedule. This better be good.

Lioness: You sleep 20 hours a day, Joe. I think you'll live.

Lion: Okay, things I didn't want the group to know.

شیر نر: سرم خیلی شلوغ بود. به نفع‌تونه که موضوع مهمی باشه.

شیر ماده: تو که کار نداری همش خوابی. چرا دروغ می‌گی؟
شیر نر: ساکت ضعیفه، نمی‌خوام بقیه از کارمون سردر بیارن.

در این دیالوگ، شیر نر هم به جلسه می‌رسد و مدعی می‌شود که سرش خیلی شلوغ بوده است. شیر ماده وی را ضایع می‌کند و می‌گوید بلوف می‌زند چون همش خواب است. طنز به خوبی در دوبله منتقل شده است. در ترجمه دیالوگ زیر، مترجم از عناصر بومی برای گرفتن شوخی استفاده کرده است:

Crow: Awesome, we got a plan.

Monkey: Hey, what's this now?

Bear: Wait. You're not a zoo animal.

Crow: Excuse me. Am I standing in the zoo? Then I'm a zoo animal.

Monkey: Don't get mad at us because no kid says, "Mommy, I wanna see a crow".

کلاغ: آفرین، نقشه خوبی کشیدی.

میمون: وایسا بینم این کی بود.

خرس: تو که از حیوونای باغ وحش نیستی دم‌سیاه.

کلاغ: مگه من الان توو باغ وحش نیستم؟ پس یکی از شهروندان اینجا محسوب می‌شوم دیگه.

میمون: بی‌خیال، از کی تاحالا کشک بادمجون هم شده جزو میوه‌ها. کی میاد پول بده کلاغ ببینه.

منابع

- Chaume, F. (2012). *Audiovisual translation: Dubbing*. Manchester, England: St. Jerome.
- Chiaro, D. (2005). Foreword: Verbally expressed humor and translation: An overview of a neglected field. *HUMOR: International Journal of Humor Research*, 18(2): 135-145
- Chiaro, D. (2010). Translating humour in the media. In D. Chiaro (Ed.), *Translation, humour and the media* (pp. 1-16). London, England: Bloomsbury.
- Martínez-Sierra, J. J. (2006). Translating audiovisual humour: A case study. *Perspectives: Studies in Translation Theory and Practice*, 13(4), 289-296.
- Zabalbeascoa, P. (1994). Factors in dubbing television comedy. *Perspectives: Studies in Translation Theory and Practice*, 2(1), 89-99.
- Zabalbeascoa, P. (1996). Translating jokes for dubbed television situation comedies. *The Translator*, 2(2), 235-257.
